

اصول کارآمدی نظام در مسلخ تکنوات‌های مرتجع

حسن ابراهیمزاده

با پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی علیه السلام نقشه‌ها و تلاش‌های نظام سلطه و عناصر وابسته‌ی آن در جلوگیری از فروپاشی حکومت پهلوی و شکل‌گیری نظامی دینی و مردمی ناکام ماند. در آغاز تلاش دو بلوک شرق و غرب متوجه براندازی انقلاب با بهره‌گیری از همه‌توان مادی، انسانی و تبلیغاتی شد. در این مقطع زمانی، نقطه هدف همه جریان‌های چپ‌گرا و راست‌گرا «مسئله امنیت» بود؛ چرا که ایجاد ناامنی، نه تنها فرصت هرگونه نظام‌سازی را از مردم انقلابی می‌گرفت، بلکه زمینه‌ی دلسرد کردن آنان را نسبت به انقلاب و ناکارآمد جلوه دادن مبارزان انقلابی را القا و زمینه سلب مقبولیت و مشروعیت و بستر کودتاها را نیز فراهم می‌ساخت.

شعار انحلال ارتش را نخست جریان‌های چپ مارکسیستی با شعار تشکیل «شورای انقلابی - نظامی با انتخاب سربازان، درجه‌داران و افسران» مطرح کردند که به فراخوان «گروهک چریک‌های فدایی خلق» برای راهپیمایی به سوی بیت امام علیه السلام در مدرسه‌ی علوی، روز سوم اسفندماه ۱۳۵۷ انجامید و با درایت حضرت امام علیه السلام این حرکت در نطفه خفه شد و پس از آن سخنان «مسعود رجوی» در روز پانزدهم اسفندماه ۱۳۵۷ در بین هواداران خود را که بر لزوم انحلال ارتش و مخالفت با تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تأکید شده بود، می‌توان در دایره ناامن‌سازی و آشوب آفرینی تحلیل کرد که برای ممانعت از شکل‌گیری نظام اسلامی پس از انقلاب و کارشکنی در شکل‌گیری اولین نماد کارآمدی؛ یعنی تشکیل نهادهای قانونی و انقلابی و ترسیم مقبولیت و مشروعیت نظام در انظار عمومی دنیا و مجامع بین‌المللی صورت گرفت؛ مسئله‌ای که برای امام راحل علیه السلام از چنان اهمیتی برخوردار بود که قبل از پیروزی انقلاب و در حکم خود به «آقای بازرگان» و تشکیل دولت موقت بر آن تأکید کرده بود؛ امام خمینی در پانزدهم بهمن ۵۷ و درست یک هفته قبل از پیروزی انقلاب هم دولت موقت را که نماد کارآمدی انقلاب بود تشکیل دادند و هم این دولت را موظف کردند در اسرع وقت، تغییر نظام سیاسی را به همه‌پرسی گذاشته و زمینه‌ی تشکیل مجلس مؤسسان (خبرگان) جهت تصویب قانون اساسی نظام جدید و انتخاب مجلس نمایندگان را فراهم سازد، این حرکت امام علیه السلام را که در حقیقت حرکت هم‌زمان انقلاب و تأسیس نظام بود، می‌توان اولین نماد بارز کارآمدی یک انقلاب نوپا در نهادسازی خواند که از همان آغاز با واکنش‌های گوناگونی از سوی جریان‌های چپ‌گرا





حرکت برخی از مسئولان و مدیران کشور به سمت بی‌توجهی به «دین مردم» از یک سو و رویکرد «اشرافی‌گری» از سوی دیگر صدای پای ارتجاعی را که امام خمینی رحمه‌الله و رهبری معظم انقلاب (حفظه‌الله) نسبت به آن هشدار داده بودند به صدا درآورده است. این روزها بی‌توجهی به دین مردم و ظهور مظاهر غربی عصر ستم‌شاهی در جامعه و رویکرد اشرافی برخی مدیران و مسئولان که سبب محسوس شدن شکاف طبقاتی و ارزشی شدن تجمل‌گرایی شده است؛ مردم دیندار و قشر مستضعف به عنوان برپادارندگان انقلاب و مدافعان اصلی نظام در طول چهار دهه‌ی گذشته را سخت نگران کرده است

درست بشود و رئیس‌جمهور، باز هم منتظر هستیم که این مسائل پیش بیاید؛ لکن ملت راه خودش را پیدا کرده است و ملت و دولت و همه‌ی قشرها به این راه ادامه می‌دهند، چه شلوغ‌کاری‌ها را این‌ها بکنند و چه نکنند و سرکوبی این‌ها هم خیلی دشوار نیست، ما می‌خواهیم حتی‌الامکان با ملایمت با این‌ها رفتار بکنیم خونریزی نشود.»^۲

نگاهی به تاریخ انقلاب گویای این واقعیت است که دشمن از روز پیروزی انقلاب تا به امروز یک لحظه از تلاش برای جلوگیری از پیشرفت و ناکارآمد ساختن و ناکارآمد جلوه دادن نظام دست برنداشته است، ایجاد بحران‌های قومی، ترور شخصیت‌های مذهبی، سیاسی و علمی، تحریم اقتصادی، شایعه‌پراکنی و غوغاسالاری بر ضد نظام و مسئولان آن و به ویژه تحمیل هشت سال جنگ بر مردم و انقلاب در دوران رهبری امام خمینی رحمه‌الله و پس از آن با ادامه‌ی برخی از این بحران‌ها و شیوه‌ها، شبیخون فرهنگی به ویژه در دوره‌ی حاکمیت تکنوکرات‌ها و اصلاح‌طلبان، برپایی فتنه‌هایی؛ چون فتنه‌ی ۷۸، فتنه‌ی هشت ماهه‌ی ۸۸ و دی‌ماه ۹۶ را باز می‌توان در ادامه‌ی همین راهبرد دشمن به تحلیل گذارد؛ چرا که ادامه‌ی حیات انقلاب و طی شدن پله‌های ترقی و تعالی از سوی نظام، ایران اسلامی را نه تنها به الگویی برای کشورهای اسلامی و جهان تبدیل می‌کرد و از دست‌درازی به منابع منطقه و جهان باز می‌دارد، نقطه‌ی پایانی بر تفکر و عقیده‌ی غیر الهی بود.

در اهمیت نگاه امام رحمه‌الله و رهبری (حفظه‌الله) به این انقلاب و تفاوت آن با انقلاب‌های دیگر باید گفت نقطه‌ی تعالی و قله‌ی ترسیم شده از سوی امام رحمه‌الله و رهبری (حفظه‌الله)، بنیانگذاری تمدن اسلامی بوده و هست، تمدنی که براساس رسالت پیامبران الهی بر دو پایه‌ی «عبودیت» و «عدالت» استوار بوده و هست، دو اصلی که هرگونه کارآمدی نظام در هر عرصه و حوزه‌ی در کنار این دو اصل تعریف می‌گردد.

برجسته بودن این دو «اصل» در کارآمدی نظام از دید امام رحمه‌الله و رهبری (حفظه‌الله) ریشه‌ی قرآنی داشت آن‌جا که وظیفه‌ی نخست همه‌ی انبیای الهی، دعوت مردم به سوی عبودیت الهی و دیندار کردن جامعه بود. «فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اْعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ؟» و برپایی قسط و عدالت «وَ اَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ^۳»، از این رو امام و رهبری معظم انقلاب (حفظه‌الله) ضمن اهتمام به اصول و عناصر کارآمدی و تلاش برای رساندن جامعه به جایگاه در خور شأن مردم؛ همواره نگرانی شاخص اصلی کارآمدی نظام؛ یعنی دینداری مردم و برپایی عدالت بودند و با حساسیتی ویژه نسبت به این دو اصل، نگران کهرنگ شدن این دو شاخص در برابر شاخص‌های دیگر بودند؛ چرا

و راست‌گرا روبرو شد، انقلابی که به جای تصفیه‌های خونین، همه‌ی مردم و حتی قوای لشکری و نیروهای انتظامی را همراه و هم‌قدم خود ساخت. همین حرکت هم‌زمان امام راحل رحمه‌الله، دشمن را نیز بر آن داشت تا آنان نیز امنیت انقلاب و مردم را مورد هدف قرار دهند. شکل‌گیری نهادهای انقلاب هم‌زمان با تلاش برای تخریب چتر امنیتی کشور با شعار انحلال ارتش و کمیته‌های انقلاب اسلامی و ممانعت از تشکیل نهاد سپاه پاسداران و به شهادت رساندن نیروهای کمیته‌ای و جهادی، با برداشتن اولین گام؛ یعنی برگزاری همه‌پرسی دوازده فروردین ۱۳۵۸، کارآمدی حرکت دینی و انقلاب مردم به رهبری امام خمینی رحمه‌الله را ثابت کرد و به قدری سنگین و پرتهاپ بود که امام رحمه‌الله در همان آغاز به نقشه‌ای که دشمن با هم‌دستی گروهک منافقین برای ناکارآمد جلوه دادن نظام نوپا و جلوگیری از کار و تلاش و تحصیل، طراحی کرده، (پس از پیروزی انقلاب) اشاره می‌کنند و ظهور گروهک‌های کوچک و بزرگ را نیز در همین راهبرد دشمنان انقلاب به تحلیل می‌گذارند.

«در مملکت ما هم وقتی که این فتح بزرگ [پیروزی انقلاب] به دست شما زن‌ها و مردهای محترم انجام گرفت همه چیز را آزاد گذاشتند، تبلیغات را آزاد گذاشتند، مکتب‌ها را آزاد گذاشتند و این است که در چند ماه حدود دویست تا شاید، گروه‌های مختلف اظهار وجود کردند؛ لکن بعد از آن ما احساس کردیم که این‌ها اظهار وجودشان فقط برای تبلیغ نیست، فقط برای این نیست که می‌خواهند مکتب خودشان را عرضه کنند بلکه مسئله، مسئله‌ی توطئه است، عرضه‌ی مکتب غیر از سوزاندن خرمن هاست، غیر ریختن به دانشگاه است و جلوگیری از این که دانشگاهیان مشغول کار باشند و مانع شدن از این که کارخانه‌ها عمل بکنند...»^۱

امام خمینی رحمه‌الله در جایی دیگر با اشاره به تلاش دشمن برای جلوگیری از برگزاری همه‌پرسی و ایجاد غائله‌هایی چون غائله‌ی کردستان پس از برگزاری همه‌پرسی، مردم را متوجه ادامه‌ی دسیسه‌هایی از سوی دشمن می‌کند که با ادامه‌ی حرکت مردم و مسئولان در برگزاری انتخابات آتی و شکل‌گیری نهادهای انقلابی باز در دستور کار آنان قرار می‌گیرد؛ که این پیش‌بینی را گذشت زمان به اثبات رساند.

«وقتی که فراندوم می‌خواست بشود، یک شلوغی‌هایی ایجاد کردند، آن‌جا که شکست خوردند بعد در هر موردی این‌ها با شکست مواجه می‌شدند و حالا که بناست این مجلس محترم تحقق پیدا کند، این خرابکاری‌ها را پیش آوردند برای این که اذهان را متوجه کنند به جای دیگر و شاید به خیال خودشان نتوانند آقایان به کار خودشان ادامه بدهند، بعد هم که این کار درست شد، بعد که بخواهیم مجلس شورای ملی

امام خمینی علیه السلام در همان ماه‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی و در ادامه‌ی نگاه قرآنی خود به حرکت سیاسی و اجتماعی و تلاش برای پیاده کردن آرمان انبیای الهی به سوی عملی‌سازی دومین شاخص محوری در کارآمدی نظام اسلامی؛ یعنی توجه به قشر مستضعف و برداشتن فاصله‌ی طبقاتی و برقراری «عدالت» می‌رود و به نوعی فاصله گرفتن از این اصل را ارتجاع و بازگشت به دوران سیاه ستم‌شاهی می‌خواند و در جمع نخستین فرمانداران نظام اسلامی می‌فرماید: «... به مستمندان، به ضعیفا، عمده‌ی توجهات به این طبقه‌ای باشد که این طبقه احتیاج دارند، این طور نباشند که مثل رژیم سابق که یک دسته بالاها را برایشان همه چیز فراهم کردند به علاوه که جیب‌هایشان را هم پر کردند و فرستادند و یک دسته هم زاغه‌نشین اطراف تهران که الان هم باز همین طور هستند، این‌ها باید پیدا کنند، باید فرق باشد مابین دولتی که می‌گوید من اسلام هستم و دولت اسلامی هستم با دولت‌هایی که طاغوتی هستند، یک فرقی هم این است که عنایت شما فرماندارها و خدمتگزاران به خلق، به این طبقه‌ی ضعیف بیشتر باشد تا طبقه‌ی بالا، مبادا یک وقتی یک نفر آدمی که؛ مثلاً متمکن است و چیزدار است و با یک نفر آدم ضعیف، او را با آن که آن یکی باید جلو باشد او را جلو بیندازید من نمی‌گویم آن یکی را جلو بیندازید می‌گویم عدالت باید باشد. البته در یک فرمانداری که به آن احتیاج دارند نمی‌تواند همه را یک دفعه بپذیرد؛ لکن روی عدالت باشد که آن آدمی که ضعیف است هم بپذیرد، آن یکی هم که غیر ضعیف است او را هم بپذیرد.»

امام خمینی علیه السلام در طول حیات نورانی خود همواره بر تحقق این دو اصل کوشیدند و مستولان و مدیران را از دور شدن از اصل عبودیت و عدالت بر حذر داشتند و نه تنها این دو اصل را شاخص اصلی کارآمدی نظام بلکه ضامن بقای آن برمی‌شمردند و نادیده گرفتن آن را نوعی بازگشت به جاهلیت نظام پهلوی می‌خواندند، مسئله‌ای که رهبری معظم انقلاب (حفظه‌الله) در طول سی سال زعامت دینی و سیاسی خود همواره بر آن تأکید داشته و چون امام خمینی علیه السلام عدم تحقق این دو اصل را مساوی با ارتجاع و دور شدن از اهداف اصلی انقلاب خواندند تا جایی که رهبری انقلاب (حفظه‌الله) نسبت به ارتجاع واقعی هشدار دادند و فرمودند: «ارتجاع وقتی اتفاق می‌افتد، معنایش این است که همان آدم‌های انقلابی سابق سر کارند اما خط را عوض کرده‌اند، راه را عوض کرده‌اند؛ کانه انقلاب شده بود، برای این که آن‌ها بروند و ما بیاییم سر کار! برای این [کار] که انقلاب نشد؛ انقلاب یعنی دگرگونی، انقلاب یعنی تغییر مسیر، انقلاب یعنی یک هدف‌های والایی را در نظر گرفتن و به

که براساس اصول قرآنی و باور دینی، امنیت، آسایش و پیشرفت واقعی و ماندگار جز با نهادینه شدن این دو اصل محقق نخواهد شد؛ هر چند که آمارها و ارقام‌های رشد و شاخص‌های دیگر چون رشد اقتصادی بر روی کاغذ و ملاک‌ها و معیارهای جهانی چیز دیگری را نشان دهند. از همان آغاز نهضت تأکید امام خمینی علیه السلام بر اسلامیت نظام و در دوران انقلاب تأکید بر زودن مظاهر غیردینی در جامعه و تصویب قانون اساسی براساس مبانی اسلام، گروهک‌های ضد انقلاب را بر آن داشت تا در جنگی تبلیغاتی حرکت امام علیه السلام و مردم را حرکتی ارتجاعی بخوانند؛ حرکتی که قبل از آن شاه و دستگاه دست‌پرورده‌ی غربی‌ش از آن به «ارتجاع سیاه» یاد کرده بودند. امام خمینی علیه السلام در همان مقطع و در مقابل جبهه فرهنگی دشمن که بازگشت به تربیت الهی و دینی مکتب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و معصومین - صلوات علیهم اجمعین - را حرکتی ارتجاعی و ناکارآمد در تأسیس حکومت و اداره آن در جهان امروز می‌خواندند، با چنین بیانی به چالش کشید: اگر منظور از ارتجاع، بازگشت به عبودیت و دین‌داری مردم به ویژه جوانان و روحیه‌ای است که دو ابرقدرت صدر اسلام را از گردونه‌ی تاریخ محو ساخت؛ بله، ما مرتجع هستیم و شما روشنفکر!!

«بله، ما مرتجع هستیم، شما روشنفکر هستید، شما روشنفکرها می‌خواهید که ما به هزار چهار صد سال قبل برگردیم، شما می‌ترسید که اگر ما جوانان را مثل هزار و چهار صد سال قبل تربیت کنیم که با جمعیت کم دو امپراطوری بزرگ را به باد داد، ما مرتجع هستیم، شمایی که می‌خواهید جوانان ما را به تعلیمات غربی بکشید، نه آن تعلیماتی که خودشان دارند، آن تعلیماتی که برای ممالک استعماری دارند، شما روشنفکر هستید!»^۵

امام خمینی علیه السلام در این بیان نورانی خود در حقیقت ارتجاع واقعی را بازگشت به جاهلیت غربی و فساد بی‌بند و باری و دین‌ستیزی رژیم پهلوی می‌خواند. امام خمینی علیه السلام در همین سخنرانی خود با ملاک قرار دادن «ارزش‌ها» و محور قرار دادن «تحول انسانی» به نقد نگاه جریان‌های غرب‌گرای می‌رود که همگام با جریان‌های چپ‌گرا «اسلام‌گرایی» و شاخص قرار دادن «دین و دینداری» در کارآمدی را نفی می‌کنند.

«ما می‌خواهیم جوانانمان را از این سینماهایی که بود و جوان‌های ما را به فساد می‌کشید، دست‌شان را بگیریم و به جاهایی ببریم که برای ملت فایده داشته باشد. این آزادی که آقایان می‌خواهند، آزادی است که قدرتمندها دیکته کرده‌اند و نویسندگان ما یا غافلند و یا خائن، این دمکرات‌مآب‌ها که می‌گویند باید آزاد باشد، به هیچ وجه نباید جلوی هیچ چیز را گرفت، این‌ها الهام می‌گیرند از ابر قدرت‌ها با آن‌ها می‌خواهند ما را غارت کنند و جوان‌های ما بی‌تفاوت باشند.»^۶

تکنوکرات‌هایی که با بر تن کردن لباس ارتجاع بی توجه به «وصیت‌های امام خمینی» و «هشدارهای امام خامنه‌ای» همچنان با به فراموش سپردن شاخص‌های اصلی و محوری کارآمدی نظام، کارآمدی را با معیارها و ملاک‌های نظام سلطه تعریف و براساس آن تعریف‌ها آمارها و ارقام‌هایی را اعلام می‌کنند؛ ملاک‌هایی که نه تنها در تقابل با «بینش توحیدی» و «عدالت اجتماعی» است، بلکه در عرصه اقتصادی، نظام سرمایه‌داری را فریه‌تر و قشر مستضعف را لاغر نموده است، تکنوکرات‌هایی که با چراغ سبز نشان دادن‌هایشان در حوزه‌ی سیاست و فرهنگ، معاندان و مخالفان اسلام و انقلاب را هتاک‌تر و جری‌تر از گذشته به میدان آورده است و زمینه فشارهای بیشتر نظام سلطه به سرکردگی آمریکا را افزون‌تر ساخته است.

بی‌توجهی به دین مردم و ظهور مظاهر غربی عصر ستم‌شاهی در جامعه و رویکرد اشرافی برخی مدیران و مسئولان که سبب محسوس شدن شکاف طبقاتی و ارزشی شدن تجمل‌گرایی شده است؛ مردم دیندار و قشر مستضعف به عنوان برپا دارندگان انقلاب و مدافعان اصلی نظام در طول چهار دهه‌ی گذشته را سخت نگران کرده است تا آن‌جا که مردم به نقد عملکرد تکنوکرات‌هایی رو آورده‌اند؛ تکنوکرات‌هایی که با بر تن کردن لباس ارتجاع بی‌توجه به «وصیت‌های امام خمینی» و «هشدارهای امام خامنه‌ای» هم‌چنان با به فراموش سپردن شاخص‌های اصلی و محوری کارآمدی نظام، کارآمدی را با معیارها و ملاک‌های نظام سلطه تعریف و براساس آن تعریف‌ها آمارها و ارقام‌هایی را اعلام می‌کنند؛ ملاک‌هایی که نه تنها در تقابل با «بینش توحیدی» و «عدالت اجتماعی» است، بلکه در عرصه‌ی اقتصادی، نظام سرمایه‌داری را فربه‌تر و قشر مستضعف را لاغر نموده است، تکنوکرات‌هایی که با چراغ سبز نشان دادن هایشان در حوزه‌ی سیاست و فرهنگ، معاندان و مخالفان اسلام و انقلاب را هتاک‌تر و جری‌تر از گذشته به میدان آورده است و زمینه فشارهای بیشتر نظام سلطه به سرکردگی آمریکا را افزون‌تر ساخته است.

به نظر می‌رسد انقلاب و نظامی که بزرگ‌ترین هزینه‌ها را بر نظام سلطه متحمل کرد و نظام سلطه با همه‌ی هزینه‌های کلان و انواع و اقسام توطئه‌های نظامی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی نتوانست آن را به زانو درآورد، نزدیک است با هزینه‌ای کم و حرکتی زیرپوستی با ست شدن دو اصل محوری عبودیت و عدالت که شکل‌گیری و بقای انقلاب و نهضت بر آن استوار بوده است و با حرکت ارتجاعی تکنوکرات با مخاطره‌ای روبرو شود که رهبری انقلاب به صراحت از آن به خطری یاد کند که باید نخبگان و مدیران حواسشان را جمع و با حساسیت آن را دنبال کنند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. صحیفه‌ی نور، ج ۸، ص ۲۳۸، بیانات امام خمینی رحمه‌الله در جمع اعضای سیمینار آموزشی انجمن اسلامی معلمین کشور، ۵/۵/۲۶.
۲. صحیفه‌ی نور، ج ۸، ص ۲۴۲، بیانات امام خمینی رحمه‌الله در جمع نمایندگان مجلس خبرگان، ۵/۵/۲۷.
۳. مؤمنون، ۳۲.
۴. الرحمن، ۹.
۵. صحیفه‌ی نور، ج ۸، ص ۲۷۱.
۶. صحیفه‌ی نور، ج ۸، ص ۲۷۱، ۵/۶/۲.
۷. صحیفه‌ی نور، ج ۸، ص ۱۴۹، بیانات امام خمینی رحمه‌الله در جمع گروهی از فرمانداران کشور، ۱۳۵۸/۴/۲۶.
۸. بیانات مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) در دیدار با مردم تبریز، زمستان ۱۳۹۶.
۹. همان.

سوی آن‌ها حرکت کردند؛ اگر از این هدف‌ها فراموش کردیم، دیگر انقلاب نیست.»^۸

دغدغه رهبری معظم انقلاب (حفظه‌الله) نسبت به اسلامیت نظام و تلاش برای حرکت دولتمردان در سوق دادن جامعه به سوی بندگی خدا؛ چون امام راحل رحمه‌الله بر کسی پوشیده نیست، واکنش تند رهبری انقلاب (حفظه‌الله) نسبت به نظریه‌ی برخی از دولتمردان در وظیفه نداشتن دولت درباره‌ی دین مردم و نیز بیانات معظم له درباره‌ی برخی از برداشت‌های غلط آنان نسبت به مبانی دینی و وقایع تاریخی اسلام و مکلف دانستن همه‌ی دولتمردان در نقش آفرینی در بسیج امکانات مادی و انسانی برای تربیت الهی و دینی به ویژه جوانان، نشان از اهتمام این رهبر الهی چون امام خمینی رحمه‌الله بر اصل تبلیغ و ترویج عبودیت به عنوان یکی از شاخصه‌های کارآمدی دارد.

رهبری معظم انقلاب (حفظه‌الله)؛ چون امام راحل رحمه‌الله، بی‌توجهی به قشر ضعیف جامعه و رویکرد اشرافی مدیران را از مصادیق بارز ارتجاع برمی‌خوانند و آن را خطری بزرگ برای انقلاب برمی‌شمارند که انقلاب اسلامی را چون بسیاری از انقلاب‌های بزرگ در آغاز راه به زانو درمی‌آورد. ایشان در خصوص ارتجاع به دوران پهلوی از سوی مدیران می‌فرمایند: «ارتجاع یعنی برگشت، همه انقلاب‌های بزرگ تاریخ که ما آن‌ها را می‌شناسیم؛ مثل انقلاب فرانسه، انقلاب روسیه و انقلاب‌هایی که در کشورهای آفریقا و آمریکای لاتین و جاهای دیگر اتفاق افتاد، تقریباً بدون استثنا در سال‌های اول عمر خودشان به این بلیه دچار شدند، این که چهل سال بگذرد و شعارهای انقلاب دست نخورد، تکان نخورد، در هیچ کدام از این انقلاب‌ها وجود ندارد؛ ما توانستیم این شعارها را حفظ کنیم؛ اما خطرناک است؛ من وظیفه دارم خطر را به مردم عزیزمان بگویم، ما اگر به سمت اشرافی‌گری حرکت کردیم، این رفتن به سمت ارتجاع است، اگر به جای توجه به طبقه ضعیف، دل سپرده طبقات مرفه و زیاده‌خواه در کشور شدیم، این حرکت به سمت ارتجاع است، اگر به جای تکیه به مردم به خارجی‌ها تکیه کردیم، امیدمان را به بیگانه‌ها بستیم، این حرکت دست، سمت ارتجاع است، این نباید اتفاق بیفتد، نخبگان جامعه باید حواسشان باشد، مدیران جامعه باید حواسشان باشد. مدیران کشور باید به شدت مراقبت کنند، مردم هم نگاه کنند، با حساسیت دنبال کنند، رفتار ماها را، رفتار مدیران را، با حساسیت، ارتجاع چیز خطرناکی است.»^۹

به نظر می‌رسد حرکت برخی از مسئولان و مدیران کشور به سمت بی‌توجهی به «دین مردم» از یک سو و رویکرد «اشرافی‌گری» از سوی دیگر صدای پای ارتجاعی را که امام خمینی رحمه‌الله و رهبری معظم انقلاب (حفظه‌الله) نسبت به آن هشدار داده بودند به صدا درآورده است. این روزها

انقلاب و نظامی که

بزرگ‌ترین هزینه‌ها را

بر نظام سلطه متحمل

کرد و نظام سلطه

با همه هزینه‌های

کلان و انواع و اقسام

توطئه‌های نظامی و

اقتصادی و سیاسی و

فرهنگی نتوانست آن را

به زانو درآورد، نزدیک

است با هزینه‌ای کم

و حرکتی زیرپوستی

با ست شدن دو اصل

محوری عبودیت و

عدالت که شکل‌گیری

و بقای انقلاب و نهضت

بر آن استوار بوده است

و با حرکت ارتجاعی

تکنوکرات با مخاطره‌ای

روبرو شود که رهبری

انقلاب به صراحت از آن

به خطری یاد کند که

باید نخبگان و مدیران

حواسشان را جمع و با

حساسیت آن را دنبال

کنند.